



مشروطه؛ الگویی ناقص از ولایت فقیه

پدیدآورنده (ها) : نجفی، موسی؛ رمضان، علی

میان رشته ای :: نشریه زمانه :: بهمن و اسفند ۹۰ - شماره ۲۱ و ۲۲

صفحات : از ۱۲۷ تا ۱۲۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/928943>

دانلود شده توسط : محسن جوادی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- ویژه ی ماه: درآمد زیاد نفتی، دولت را به فعالان اقتصادی بی توجه می کند (مروری بر رابطه نهاد قدرت سیاسی با بخش خصوصی از ابتدای قاجاریه تاکنون)
- مصطفی عالی نسب در اوج تحریم جهانی ایران، با تولید ملی به مردم استفاده از نفت را آموخت؛ مردی که انحصار تولیدات انگلیسی را شکست
- گفتگو: گفتگو با منوچهر انور درباره ی گروه هنر ملی رفاقتی که سوخت، صداقتی که پرپر شد
- بررسی انتقادی ادبیات و پیشینه ی تحقیق درباره ی اندیشه سیاسی آخوند خراسانی
- مبانی فکری آل احمد در سه اثر داستانی(دید و بازدید، سه تار، مدیر مدرسه)
- درس گفتارهای استاد غلامحسین صدیقی
- با استاد دکتر محمد علی موحد
- جلال آل احمد نویسنده‌ای پرشور؛ نویسنده‌ای مبارز
- سلوک مردی که بر اعتبار کالای ایرانی افزود
- یک صفحه تاریخ (آذر ماه ۱۳۳۵)
- شاعری نه با کلمات...
- احتجاجات و سؤالات و توضیحات

عناوین مشابه

- تئوری ولایت مطلقه فقیه ناشی از تاملات امام در تجربه مشروطه بود؛ گفتگو با حجت الاسلام و المسلمین باستانی
- سیر تکاملی ابعاد اجتماعی ولایت فقیه از دوران مغول تا مشروطه
- از ولایت فقیه تا جمهوری اسلامی
- ولایت فقیه از دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)و آیت الله العظمی سید عبدالحسین لاری جهرمی(ره)
- گزارشی از مراسم معارفه نماینده ولی فقیه در جهاد سازندگی؛ نماینده رهبردی: رمز موفقیت جهادگران اعتقاد به ولایت فقیه و اصول انقلاب است
- نگاهی تطبیقی به نظریه ولایت فقیه از منظر شیعه و فقه شافعی
- شاخصه‌های ارزیابی کارآمدی سیاسی بر مبنای نصوص اسلامی در نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه
- ظرفیت‌سنجی فقه شیعه برای شناسایی وقف به عنوان یکی از منابع مالی حکومت اسلامی در پرتو اصل ولایت فقیه
- جمهوری اسلامی از ولایت نبی (ص) تا ولایت فقیه (قسمت چهارم)

- امکان سنجی تغییر حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران از ریاستی به پارلمانی در پرتو استقرار نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه

مشروطه؛ الگویی ناقص از ولایت فقیه

در گفت‌وگو با دکتر موسی نجفی
عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی رضائی

«در پی تکمیل شناختمان از آخوند خراسانی و بازخوانی عقاید و اندیشه‌های سیاسی‌اش و در تلاش برای پاسخ به تمنای ذهنی‌مان بودیم که کتاب «حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران» ذهنمان را به حوزه نجف عصر مشروطه پیوند زد و قلم نگارنده آن ما را با اندیشه‌های سیاسی روحانیت آن زمان آشنا کرد. در پس این سفر تاریخی بود که هم‌قدم موسی نجفی شدیم تا فضای فکری آخوند خراسانی، شیخ فضل‌الله نوری و جریان‌های سیاسی آن زمانه از تاریخ ایران را درک کنیم. دکتر نجفی در این مصاحبه تأکید می‌کند که مدرکی نداریم که نشان دهد آخوند خراسانی از نظر خود در مورد مشروطه عسول کرده باشد. وی همچنین تلاش شبه روشنفکران امروزی برای تفسیر آخوند به طریقی که دیدگاه‌هایش در مقابل نظریه ولایت فقیه قرار گیرد را ناپجا و ابتر می‌داند. خواندن این مصاحبه کمک خواهد کرد تا با دیدگاه‌های این استاد انقلابی در مورد مشروطه و آخوند خراسانی بیشتر آشنا شویم.

دکتر نجفی در سال ۱۳۷۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان «اندیشه سیاسی در عصر مشروطیت» در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران دفاع کرد و در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در رشته علوم سیاسی با گرایش اندیشه سیاسی موفق به دریافت درجه دکتر شد.



♦ جناب آقای نجفی آیا عزیمت آخوند خراسانی به تهران به دلیل انحراف مشروطه نبوده است؟

در آن زمان آخوند نگران سرنوشت مشروطه بود. در قضیه اعدام شیخ فضل الله نیز ایشان از رفتار حکام انتقاد کرد. در کل این رهبر مشروطه از انحراف نظام تازه تأسیس و نفوذ قدرت‌های بیگانه در کشور ناراحت و نازاضی بود. اما در سخنان او نمی‌توان سند یا نامه‌ای یافت که نشان دهد آخوند از نظر خود در حمایت از مشروطه برگشته است. ملا عبدالله مازندرانی که یکی دیگر از حامیان مشروطه است، درباره انحراف مشروطه نامه‌ای نگاشت و به این موضوع اشاره کرد که عشاق پاریس بروند به طرف معشوقه‌شان (این نامه در کتاب «حوزه نجف و فلسفه تجدد در ایران» آمده است)، ولی هیچ‌گاه از مشروطه بازنگشت.

♦ آیا آخوند خراسانی سرانجام از اندیشه‌اش بازگشت؟

خیر، او هیچ‌گاه چنین کاری نکرد. سخنان ایشان درباره انحراف مشروطه و نامه‌هایی که درباره مسائل سیاسی آن دوره نگاشته است بر بازگشت آخوند از اندیشه‌اش درباره مشروطه و رد این نظام دلالت نمی‌کند.

♦ آیا نگاه آخوند مطابق نگاه حکام تهران و درواقع مقابل شیخ فضل الله است؟

خیر، ایشان از اعدام شیخ فضل الله، افراط مشروطه‌خواهان و اینکه به نام مشروطه منکرات در کشور اجرا می‌شد ناراحت بود. سیره عملی و رفتار ایشان تا آخر عمر گویای این موضوع است. خط آخوند با خط حکام تهران و سیر مشروطه تفاوت داشت. شاهد این موضوع هم روزنامه‌های نجف و به‌ویژه «دره‌النحف» است که با نظارت آخوند منتشر می‌شد. این به معنای یکی بودن نظر این رهبر مشروطه با شیخ فضل الله نوری نیست. دیدگاه‌های این دو روحانی بنام آن زمان با هم تفاوت داشت. این تفاوت درواقع نشانه‌ای

است بر وجود دو جریان اسلامی در زمان مشروطه، که یکی از آنها مشروعه نام داشت و شیخ فضل الله از چهره‌های شاخص آن بود و دیگری جریانی که من نام آن را مشروطه اسلامی گذاشتم (دلیل این نام‌گذاری تمایز آن از جریان مشروطه‌خواه است). در نجف جریان مشروطه اسلامی را افرادی همچون آخوند خراسانی، آشیخ عبدالله مازندرانی، و امیرزا خلیل، که به مراجع ثلاث مشهور بودند، رهبری می‌کردند. آیت الله نائینی هم نظریه‌پرداز آنها به شمار می‌آمد. در تهران این جریان نماینده خاصی نداشت، اما در دوره بعدی جریانی مشروطه‌خواه در اصفهان پدید می‌آید که از نظر تفکر و شیوه عملکرد شیهه جریان مشروطه اسلامی نجف بود. از چهره‌های سرشناس این جریان می‌توان به

آنکه جریان مشروطه اسلامی اولویت را اول به استبداد و بعد به مداخله خارجی می‌داد، جریان حاکم مشروطه هم خود به استبداد جدیدی تبدیل شده و یک مقداری هم حساسیت‌های ضدانگلیسی‌اش را از دست داده بود؛ بنابراین جریان مشروطه اسلامی با جریان مشروطه حاکم آن هم از نظر عملکرد — نه مسائل ایدئولوژیک — مشکل داشت. آخوند خراسانی، که یکی از چهره‌های شاخص این جریان بود تا آخر عمر در این جریان باقی ماند و هرگز از آن خارج نشد. آیت الله نائینی هم با اینکه کتاب تنبیه الامة را جمع کرد، از این جریان روی برنگرداند.

شیخ فضل الله شهید سه موضع در مشروطه داشت؛ وقتی مشروطه ضد استبدادی بود، مشروطه‌خواه بود و در

مشکل بعضی از روشنفکران امروزی این است که می‌خواهند مشروطه را به عنوان یک تجربه سیاسی کامل مقابل نظام ولایت فقیه قرار دهند. این در حالی است که مشروطه نه در مقابل ولایت فقیه بلکه الگوی ناقصی از آن است. آنها با این کار می‌خواهند آخوند خراسانی را در مقابل امام خمینی (ره) و نظریه ولایت فقیه ایشان و در صف خود معرفی کنند

مرحله دوم در جریان جنگ بین غرب‌گراها و اسلام‌گراها قائل به مشروطه مشروعه شد و در مرحله سوم خواستار مشروعه غیرمشروطه گردید. اما جریان مشروطه‌خواه نجف تا مدت‌های مدید مشروطه‌خواه بود، ولی تفسیر دینی و ضد استعماری و ضد غربی از مشروطه داشت.

♦ ظهور و بروز مثبت و منفی جریانی که از آن با عنوان مشروطه‌خواه اسلامی یاد کردید کجاست؟

این مجتهدان بر مبانی اجتهادی خودشان ایستادند که این جنبه مثبت آن است، اما متأسفانه به عرصه تربیت نیرو توجه نکردند. به همین دلیل افسردگی نبودند که بتوانند برای این جریان نهادسازی کنند؛ برای مثال همه علمای مشروطه‌خواه اسلامی نجف و

حوزه اصفهان، از جمله آخوند خراسانی به دنبال این بودند که اصل دوم متمم قانون اساسی — اصلی که شیخ فضل الله پیشنهاد داده بود — اجرا شود، ولی جریان مشروطه‌خواه با دفع وقت مانع اجرای درست این اصل شدند. آیت الله مدرس براساس این اصل در دوره دوم قانون‌گذاری وارد مجلس شد و درواقع در این دوره وظیفه او نظارت بر مصوبات مجلس بود، ولی در دوره‌های بعدی چون مشروطه‌خواهان این اصل را رعایت نمی‌کردند، او در مقام نماینده وارد مجلس شد.

مشکل بعضی از روشنفکران امروزی این است که می‌خواهند مشروطه را به عنوان یک تجربه سیاسی کامل مقابل نظام ولایت فقیه قرار دهند. این در حالی است که مشروطه نه در مقابل ولایت فقیه بلکه الگویی ناقص از آن است.

آخوند خراسانی در پی ایجاد جامعه دینی بود و با فروش مشروبات الکلی و شیوع منکرات در جامعه مخالف بود. شاهد این مدعا هم نامه ایشان در پاسخ به مطلب یکی از روزنامه‌های آن زمان تهران درباره قصاص است.

در این مطلب آمده بود که قصاص امروزی نیست، اما آخوند در نامه‌ای با این سخن به شدت مخالفت کرد و گفت احکام اسلامی هیچ وقت تعطیل نمی‌شوند و باید حکم قصاص را اجرا کرد. ایشان از کنال مشروطه‌خواهی می‌خواست احکام اسلام را اجرا کند، منتها مشروطه مدلی نبود که توانایی اجرای کامل این احکام را داشته باشد. ولایت فقیه مسئله‌ای است که هیچ مرجع و مجتهدی نمی‌تواند منکر آن شود، ولی اینکه علما در زمان مشروطه با توجه به وضعیت زمانه کوشیدند بهترین نظر به را انتخاب کنند که در موج به راه افتاده — که می‌توان آن را موج بیداری اسلامی مشروطه نامید — پذیرفته شود و امکان اجرایی شدن داشته باشد. هر چند آنها خود در ایجاد این موج تأثیر گذار بودند، حرکت

مردم سالاری قواعد خاص خودش را دارد، اما این نسبت به گونه‌ای نیست که با عقاید روشنفکری و دموکراسی غربی سازگار باشد. این مکتب، یک چهارچوب فکری دارای مبانی و روش و با پشتوانه و اصالت اسلامی است، اما عین فضای فکری شیخ فضل الله نیست.

♦ آیا می‌شود گفت که امام خمینی (ره) با استفاده از تجربه مشروطه تفاوت نظر آخوند و شیخ فضل الله طرح تازه‌ای در انداخت و نظریه ولایت فقیه را مطرح نمود؟

نظریه امام خمینی در نظام سیاسی جمع مشروطه و مشروعه است. ایشان جریان شیخ فضل الله و مشروطه خواهان را زمانی مطرح نمود که بحث جبهه ملی، فضای انحرافی و غرب زدگی در انقلاب بروز کرد. جریان مشروطه جریان بیداری اسلامی است. این جریان از این جنبه به جریان بیداری اسلامی امروز بسیار شبیه است. اصلاً یکی از امواج بزرگ جریان بیداری اسلامی جهان اسلام، مشروطه است. گام اول را هم ایران برداشت. به خاطر همین هم این کشور جلوتر از باقی کشورهاست. در دوره‌ای ایران به جامعه مدنی توجه کرد؛ زیرا تا جامعه مدنی تشکیل، و ابعادش مشخص نمی‌شد، ممکن نبود ایران به جامعه دینی تبدیل شود. این ناممکن است که جامعه‌ای استبدادی یک باره به جامعه دینی تبدیل گردد، باید نخست جامعه مدنی برقرار شود و استبداد و ظلم و ... از بین رود، بعد جامعه دینی ایجاد گردد. امام خمینی از تجربه بن‌بست و شکست مشروطه بود که نظریه خودش را ارائه داد. ما بعد از نهضت ملی شدن صنعت نفت از مشروطه خارج شدیم. امام خمینی (ره) بعد از سال ۱۳۴۱ برای اینکه ذهن مردم را آماده کند، هنوز از مشروطه صحبت می‌کرد. ||

این بود که نظام مشروطه چون مایه غربی دارد و در ایران نیز سکن آن به دست غرب‌زدگان افتاده است نمی‌شود با آن به اهداف اسلامی مطرح شده رسید. گرچه سخن آنها درست بود و وقایع بعدی آن را اثبات کرد، مشروطه ظرفیتی بیش از آن داشت که در اصفهان هم ثابت شد. در مقابل، آخوند خراسانی کوشید با انحرافات مقابله کند، اما شکست خورد؛ چون مشروطه پیش از آن رخ نداده بود تا آنها تجربه داشته باشند.

♦ آیا دوری علمای نجف از تهران را می‌شود. دلیل تفاوت درک آنها از مشروطه با شیخ فضل الله دانست؟

بله، می‌توان آن را یکی از دلایل دانست؛ زیرا در آن زمان جر تلگراف وسیله‌ای برای رساندن اخبار داخل به خارج و اطلاع از نظر علمای نجف در داخل کشور وجود نداشت.

♦ آیا علمای نجف اگر در تهران بودند مثل شیخ فضل الله عمل می‌کردند؟

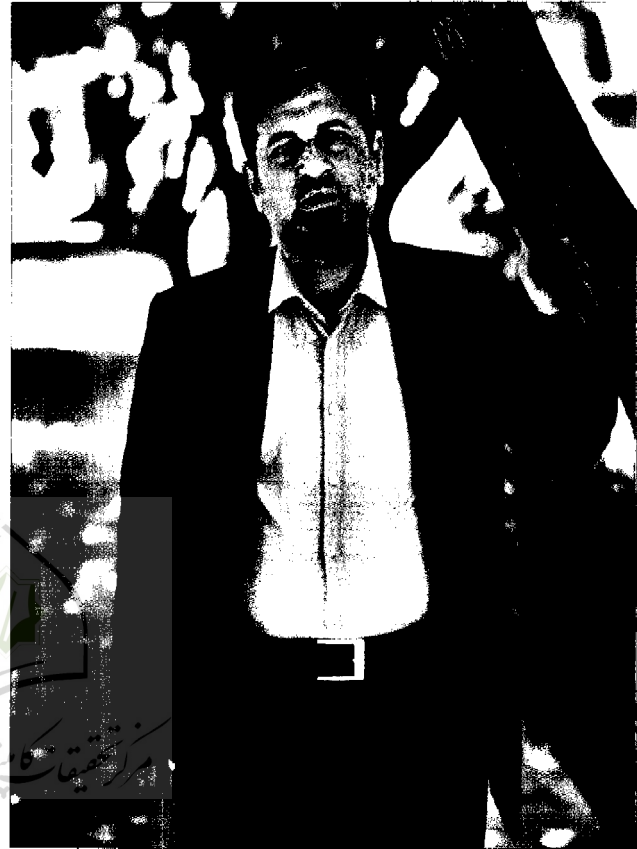
خیر، به نظر من اگر آنها در تهران بودند، مثل حاج آقا نورالله اصفهانی رفتار می‌کردند؛ یعنی مجلس را تأیید می‌نمودند و در آن حضور می‌افتادند.

♦ به نظر تان شاید دلیل اینکه جریان‌های امروزی می‌کوشند آخوند را به سمت خودشان بکشند و ایشان را از منظر خودشان تفسیر کنند چیست؟

آنها با این کار می‌خواهند آخوند خراسانی را در مقابل امام خمینی (ره) و نظریه ولایت فقیه ایشان و در صف خود معرفی کنند.

♦ در واقع می‌کوشند مکتب نجف را در مقابل مکتب قم مطرح کنند.

بله، حال آنکه این دو مکتب مقابل هم نیست، بلکه یک سیر استعلائی دارند. مکتب نجف مکتب روشنفکری نیست؛ یک مکتب دینی است که نسبت به آزادی و



بی‌دقتی شیخ فضل الله نیست، بلکه منظور این است که ایشان قافیه را باخته بود. درواقع در برابر گروه مشروطه اسلامی که نتوانسته بود در آن اوضاع خود را نگاه دارد، گروه مشروعه‌خواه معتقد بود مشروطه کاملاً از بین رفته و فاسد شده است.

♦ منظور شما این است که شیخ فضل الله با دیدن تضادها خود را از صحنه کنار کشید؟

خیر، شیخ فضل الله خود را کنار نکشید؛ او در صحنه بود، اما از سیر اوضاع مأیوس شده بود. سخن اصلی علمای مشروعه‌خواه

آن به گونه‌ای شد که کنترل آن از دست این گروه خارج گردید. این موج همچون طفلی بود که این علما رشدش داده بودند، اما در مکتبی درس می‌خواند که کم‌کم به صورت پرورش دهندگان جنگ می‌انداخت. حاصلش هم رضاخان بود که به نام مشروطه تمام دستاوردهای مشروطه را از بین برد.

♦ تحلیل شما از رفتار این دو گروه از علما در مقابل مشروطه چیست؟

به نظر من گروه آخوند خراسانی در تحلیل خود دقیق‌تر بود؛ البته این به معنای